



پیام به حجاج بیت الله الحرام - 6 / خرداد / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة على رسوله النبي الاميين و على آله الميامين و اصحابه المنتجبين و السلام على جميع عباد الله الصالحين. قال الله الحكيم: و اذ بوأنا لابراهيم مكان البيت ان لا تشرك بي شيئاً و طهر بيتي للطائفين و القائمين و الركع السجود.

بار دیگر اراده‌ی نافذ الهی، مؤمنین را در زادگاه توحید و بارگاه رحمت و فضل ربوبی و بر گرد کعبه‌ی دلها و در ساحت قبله‌ی جانهای مسلمین عالم گرد آورده و ندای ملکوتی: و اذن فی الناس بالحج، بر فواصل طبیعی و تحمیلی برادران مسلمان فائق آمده و انبوه دل‌هایی را که با ایمان و عشق و نیاز یکسان می‌تپند، به سوی مرکز توحید و وحدت امت کشانیده است. سالیان دراز، دست جهل و عناد، سعی کرده است خانواده‌ی بزرگ اسلامی را در آن واحد، هم از ریشه‌ی اعتقادی‌اش و هم از علقه و پیوند فیما بین ایمانی‌اش جدا کند، اما از این سو نیز همه ساله، فریضه‌ی حج، درس توحید و وحدت را، در کالبد این خانواده‌ی کهنسال و ریشه‌دار تزریق می‌کند و هر سال شکوفه‌های تازه‌ی، بیش از گذشته، تجدید بهار ایمان و حیات دینی و انس و موذت اسلامی را، نوید می‌دهد، و ساخته‌های دست دشمن را باطل می‌سازد. این معجزه‌ی حج است که علیرغم وجود درگیریه‌ها و منازعاتی که، در آن، حکومت‌های مسلمان بارها در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند، هرگز پیوندهای فکری و عاطفی و ایمانی میان ملت‌های مسلمان قطع نشده و تأثیرات متقابل این ملت‌ها همواره رو به افزایش بوده است. اگر چه رازها و رمزهای حج بیش از آن است که در گفتاری بتوان آن را گزارش کرد ولی در آن میان، هر چشم رازشناسی، سه ویژگی برجسته را در نگاه اول، در آن باز می‌شناسد: نخست آن که حج، یگانه فریضه‌ی است که خداوند برای ادای آن همه‌ی آحاد مسلمین هر آنکس از آنان را، که دارای استطاعت باشد از سراسر عالم و از خلوت خانه‌ها و عبادتگاه‌ها، به یک نقطه فرا می‌خواند و در ایام معلومات، در گونه‌گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می‌زند: ثم أفیضوا من حیث أفاض الناس و استغفروا الله ان الله غفورٌ رحیم. دوم آن که در همین کار دستجمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می‌کند: و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الأنعام. سوم آن که در صفحه‌ی روشن و همه کس شناس آن، تصویری از نمای کلی زندگی انسان موحد را عرضه می‌کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف‌دار و جهت‌دار می‌دهد. از ورود در میقات و حضور در ساحت احرام و تلبیه و تروک تا طواف، گرد مرکز کعبه و سعی میان صفا و مروه و وقوف در محشر عرفات و مشعروذکر و تضرع و تعارفی که در آن است، و تا رسیدن به منا و قربانی‌اش و رمی جمره‌اش و حلقش و سپس دوباره برگشتن به طواف و سعی. همه و همه درسه‌های رسا و روشن حرکت جهت‌دار و دستجمعی و معرفت‌آمیز مسلمان، در عرصه‌ی توحید و در مسعای حیات و برگرد محور «الله» است. زندگی در آیین‌های حج یک سیر دائمی بلکه یک صیورورت دائمی به سوی خدا است، و حج، آن درس همیشه زنده‌ی عملی و سازنده است که اگر به هوش باشیم راه و رسم زندگی ما را در صحنه‌ی عملی و روشن ترسیم می‌کند. میعاد‌ی همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم، و در پرتو ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد، آنگاه به سرزمین خود و به میان کسان خود برگردد، و در سال‌های بعد گروه‌های دیگر و گروه‌های دیگر بیایند و بروند بیاموزند و ببندوزند، بگویند و عمل کنند، بشنوند و تدبیر کنند، و در نهایت همه‌ی امت، به آنچه خدا خواسته و دین آموخته برسند. نظر افکندن به عرصه‌ی عظیم زندگی امت اسلامی، فراتر از ابعاد ملت‌ها و نژادها و قوم و قبیله‌ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و



شیوه‌ی زندگی، چنانکه شایسته‌ی اوست، و همه در پرتوی از ذکر خدا. این است آن سرچشمه‌ی معرفتی که هر ساله در حج، فیاض و بی‌زوال، بر انبوه خلائق گرد آمده در حرم امن خدا سیلان می‌یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل خود را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می‌سازد. در گذشته و امروز، نیز کوششهایی شده است و می‌شود تا حج را فریضه‌ی فردی، که در آن هر کس فقط سرگرم عبادت و نیایش خود با خداوند است، قلمداد کنند. بگذریم از آن غفلت‌زدگانی که به سفر حج، به چشم سفری سیاحتی و تجارتي نگاه می‌کنند. حج با برجستگی‌هایی که در هیچ فریضه‌ی دیگر اسلامی، مجموعه‌ی آن را نمی‌توان یافت، بسی برتر از بینش تنگ نظرانه‌ی آنان و نگاه بی‌فروغ و خطابین اینان است. در دوران ما بزرگترین کسی که حج را از پرده‌ی اوهام بیرون کشید و رازهای آن را در ذهن و نیز در عمل جمع عظیمی از مسلمانان، نمایان ساخت امام راحل کبیر ما بود. او حج ابراهیمی را ندا کرد و خلائق را بدان فرا خواند. یکبار دیگر صلاي: اذن فی التاس بالحج را به گوش جهانیان رسانید. حج ابراهیمی همان حج محمدی است که در آن، حرکت به سمت توحید و اتحاد، روح و سرلوحه‌ی همه‌ی مراسم و شعائر است، حجی مایه‌ی برکت و هدایت و ستون اصلی در حیات و قیام امت واحد، حجی سرشار از منافع و پربار از ذکر خدا، حجی که در آن ملت‌های مسلمان، وجود امت فراگیر محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و حضور خود در آن را لمس می‌کنند و با احساس برادری و نزدیکی ملت‌ها، از احساس ضعف و عجز و خودباختگی رها می‌شوند. حج ابراهیمی، آن است که در آن مسلمین، از تفرقه به جمعیت حرکت کنند و کعبه را که بنای یاد بود توحید و رمز برائت و نفرت از شرک و بت‌پرستی است با معرفت به معنای رمزی آن طواف کنند و از ظاهر و پیکره‌ی مناسک به باطن و روح آن برسند و از آن برسند و از آن برای زندگی خود و زندگی امت اسلام، توشه بگیرند. اکنون این جانب، با امید به رحمت و هدایت الهی و با دعا برای قبولی و پرباری حج شما برادران و خواهران مسلمان از سراسر جهان اسلام، فرصت تدبّر در مناسک حج را مغتنم شمرده، مطالبی را که توجه به آن برای همه‌ی آحاد مسلمان سودمند است، تذکرًا عرض می‌کنم:

1 نخستین مطلب در باب توحید است، که روح اساسی حج و مضمون بسیاری از اعمال و مناسک آن است. توحید با مفهوم عمیق قرآنی آن، به معنای توجّه و حرکت به سوی الله و ردّ و نفی بت‌ها و قدرتهای شیطانی است. خطرناکترین این قدرتها در درون وجود آدمی، نفس امّاره و هواها و هوسهای گمراه کننده و پست کننده است، و در سطح جامعه و جهان، همان قدرتهای استکباری و فتنه انگیز و فساد انگیزند که امروزه بر زندگی مسلمانان چنگ انداخته و با روشهای شیطانی، جسم و روح بسیاری از ملت‌های مسلمان را دستخوش سیاستهای خود ساخته‌اند. مراسم برائت در حج، اعلان بیزاری از این قدرتها است. هر چشم روشن و نگاه عبرت‌آمیزی می‌تواند در زندگی جوامع مسلمان، نشانه‌ی سلطه‌ی قدرتها یا تلاش آنان برای تسلط بر کشورهای اسلامی را مشاهده کند. در برخی از این کشورها، سیاست و اقتصاد و روابط بین‌المللی و موضعگیری در برابر حوادث عالم، همسو و تحت تأثیر قدرتهای سلطه‌گر و در رأس آن امریکا است. رواج فساد و رسمی بودن فحشاء و محرمات شرعی در بسیاری از این کشورها، متأثر از سیاستهای شیطانی آن قدرتها است. وظیفه‌ی که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج‌گزار لازم می‌سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است، و این اولین قدم، در راه تجسّم اراده‌ی اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید، بر همه‌ی جوامع اسلامی است.

2 مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین است که مضمون برجسته‌ی دیگری از مناسک حج است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاستهای قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. گاه با حربه‌ی اختلافات فرقه‌یی و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر اینها. متأسفانه با وجود فریاد مصلحان و منادیان وحدت، این حربه‌ی دشمن، هنوز تا حدودی بر پیکر امت اسلامی، ضربه‌ها و جراحت‌هایی وارد



می‌سازد. دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، عرب و عجم، آسیایی و آفریقایی، و عمده کردن ناسیونالیسم‌های عربی، تورانی و فارسی، اگر چه به وسیله‌ی بیگانگان آغاز شده است اما متأسفانه، امروز به وسیله‌ی خودی‌هایی که بر اثر کج فهمی و یا نوکری اجانب، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، ادامه می‌یابد. کار این انحراف گاه، به آن جا می‌رسد که برخی از دولتهای مسلمان، با صرف پول تلاش می‌کنند، میان مذاهب اسلامی یا ملت‌ها و اقوام اسلامی تفرقه ایجاد کنند، و یا بعضی از عالم نمایان صریحاً فتوا به کفر بعضی از فرق اسلامی، که سوابق درخشان‌شان در تاریخ اسلام واضح است می‌دهند. ملت‌های مسلمان شایسته است انگیزه‌های خبیث این کارها را شناخته، دست پنهان شیطان بزرگ و ایادی و اذناش را در پشت سر آن ببینند، و خیانتکاران را افشاء کنند.

3 نکته‌ی مهمی که شایسته است همه‌ی مسلمین آن را دانسته و برای مقابله با آن احساس تکلیف کنند، آن است که امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه‌ی سرسختانه و توطئه‌آمیزی از سوی قدرتهای استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است. اگر چه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه‌های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملاً شناخته شده است، ولی می‌توان گفت که شیوه‌های متنوع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیداً قساوت آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده‌ی این روزگار است. نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علت این پدیده، یعنی شدت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می‌سازد. علت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست. حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه‌ی اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیر اسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده‌اند، که باید نهضت «تجدید حیات اسلام» نامیده شود. اینک، این نسل جوان و تحصیلکرده و برخوردار از معارف زمان است، که بعکس توقع مستعمران دیروز و مستکبران امروز، نه تنها اسلام را، فراموش نکرده، بلکه با ایمانی پر شور، که با استفاده از پیشرفت معارف بشری، بسی روشن‌بینانه‌تر و ژرف‌تر نیز شده است، بدان روی آورده و گم‌شده‌ی خود را در آن می‌جوید. قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون آن، اوج قله‌ی این نهضت جوان و ریشه‌دار است، که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است. این آن چیزی است که جبهه‌ی استکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقاید و مقدّسات ملت‌ها پرهیز می‌کرد، وادار می‌سازد که در مبارزه با اسلام، علناً و با همه‌ی روشهای ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود. در امریکا و کشورهای اروپایی، رؤسا و سیاستمداران متعددی را می‌توان شناخت که حداقل یکبار در گفته‌های خود صریحاً رشد و گسترش ایمان اسلامی را خطری بزرگ دانسته و مبارزه با آن را لازم شمرده‌اند. هر چه گرایش عمومی جوانان مسلمان، به ایمان و عمل اسلامی گسترده‌تر شده، این اظهارات ناشی از سراسیمگی و دشمنی، واضح‌تر گردیده است و اکنون کار به جایی رسیده که حتی رؤسا و سیاستمداران بعضی از کشورهای اسلامی نیز، که همیشه عناد خود با اسلام را در زیر پوششی از نفاق پنهان می‌کردند، به پیروی از اربابان امریکایی و اروپایی‌شان علناً و صریحاً از خطر اسلام دم می‌زنند! و ایمان مقدّس مردمی را که بر آنان فرمان می‌رانند، برای خود خطر می‌شمرند. مبارزه با بیداری اسلامی در سطح جهان، شکلهای گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملاً دموکراتیک به حاکمیت جبهه‌ی اسلامی رأی می‌دهند، کودتایی خشن، انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می‌کند، و آنگاه قدرتهای مستکبر امریکا و اروپا نفس راحت کشیده بطور کامل پشت سر کودتاگران قرار می‌گیرند و دست پنهان خود در آن را افشاء می‌کنند. در سودان گروه‌های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می‌رسند، و آنگاه غرب انواع تحریکات خود را شروع می‌کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را بطور دائم تهدید می‌کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیست‌های غاصب به وحشیانه‌ترین وجهی سرکوب و شکنجه می‌شوند، آنگاه امریکا، آن آدم کشان ددصفت و شکنجه‌گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می‌کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملت عراق،



که مبارزه با رژیم بعثی را، با انگیزه‌ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته‌اند، از سوی آن رژیم مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌گیرند، و آمریکا و غرب، که انگیزه‌ی خود برای برخورد قدرتمندانه با صدام را در قضایای دیگر، آشکارانشان داده‌اند، این‌جا با سکوتی رضایت‌آمیز و تشویق‌کننده ظاهر می‌شوند. در کشمیر و هند، تعصب کور و جهالتبار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدّسات مسلمین تعرّض می‌کند و این با خونسردی و لبخند بی‌تفاوت آمریکا و غرب مواجه می‌شود. در مصر روشنفکرترین نسلهای مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم‌آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می‌گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ مورد تشویق و کمک مالی و امنیتی آمریکا قرار می‌گیرد. در تاجیکستان اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه‌ی اسلام، به وسیله‌ی پس مانده‌های رژیم کمونیستی، بشدّت سرکوب و جمع‌کثیری از آنان از خانه و کاشانه‌ی خود آواره می‌شوند و غرب با همه‌ی دغدغه‌اش از بازگشت کمونیستها در شوروی سابق، این حرکت آنان را مغتنم می‌شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیزم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می‌گیرد. در آمریکا و اروپا مسلمانان و گروههای اسلامی مورد اهانت و تهمت قرار می‌گیرند و در مواردی تظاهر به پایبندیهای اسلامی از قبیل حجاب زنان ممنوع می‌گردد. اهانت علنی به اسلام در قالب حجاب تحریم شده و به وسیله‌ی نویسنده‌ی مهدورالدم مکرر مورد حمایت علنی سردمداران رژیم‌های اروپایی قرار می‌گیرد و حتی رئیس رژیم بدنام و بدسابقه‌ی انگلیس، با آن نویسنده‌ی قلم‌به‌مزد و بی‌ارزش ملاقات می‌کند. از اینها همه بدتر، فاجعه‌ی بی‌سابقه‌ی نسل‌کشی مسلمین در بوسنی است، بیش از یکسال است که صربهای نژادپرست و اخیراً با همراهی کرواتها با تکیه بر سلاح و امکانات رژیم صربستان و کمکهای خارجی، زشت‌ترین و غیر انسانی‌ترین نوع کشتار و ظلم و قساوت را با مسلمانان، یعنی صاحبان اصلی بوسنی و هرزگوین انجام می‌دهند، و غرب و آمریکا، نه تنها هیچ کمکی به آنان نکرده و هیچ ممانعتی از جنایت صربها نشان نداده‌اند، بلکه با استفاده از امکانات شورای امنیت از رسیدن سلاح به مسلمانان مظلوم نیز جلوگیری کرده و با اعزام نیروهای سازمان ملل، محاصره‌ی آنان را کامل کرده‌اند. مسلمانان، امروز و در آینده بدانند، که آمریکا و دول بزرگ اروپایی در فاجعه‌ی بی‌نظیر بوسنی، مقصّر و مسؤول مستقیم‌اند. در این یکسال مشتی حرف پوچ و وعده‌ی دروغ تحویل داده اما از کشته شدن حتّی يك نفر از هزاران نفر کشته‌ی مظلوم آن سرزمین جلوگیری نکرده، و بالاتر، از قدرت دفاع یافتن آنان نیز ممانعت کرده‌اند. این تصویر مجملی از دشمنی غرب و آمریکا با اسلام و مسلمین در روزگار ما است. نه التماس، نه تسلیم، نه مذاکره و نه هیچیک از راههایی که بعضی ساده‌لوحانه آن را به مسلمانان پیشنهاد می‌کنند، گره‌گشا و مایه‌ی نجات مسلمین نیست. تنها يك چیز علاج است و بس، و آن اتحاد مسلمانان، پافشاری بر اسلام و ارزشها و اصول آن، مقاومت در برابر فشارها و تنگ کردن عرصه، در بلند مدت بر دشمن است. و امروز چشم امید دنیای اسلام، به جوانان غیور و بسیجی در سراسر کشورهای اسلامی است، که از کیان اسلام دفاع کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

4 نکته‌ی مهم دیگری که باید مورد تاکید قرار گیرد آن است که استکبار با همه‌ی تدابیر شیطانی‌اش و با وجود بکارگیری زور و ترفند سیاسی و تبلیغات دروغ، نتوانسته و هرگز نخواهد توانست، جریان رو به رشد بیداری اسلامی و نهضت گرایش به اسلام را متوقف سازد. فعالیت همه جانبه‌ی سیاسی و امنیتی و بیش از همه، تبلیغاتی آمریکا و دیگر کشورهای استکباری و ایادی منطقه‌ی آنان بر ضدّ نهضت اسلامی در کشورهای مختلف و از جمله بر ضدّ نظام مقدّس جمهوری اسلامی در ایران، در سالهای اخیر، بی‌سابقه و بسیار وسیع بوده است. و در این میان رژیم صهیونیستی همچون زائده‌ی آمریکا در منطقه، در منتهای رذالت و خبائثی که از آن انتظار می‌رود، ایفای نقش کرده است. محاسبات مادی عادی، حکم می‌کند که باید بر اثر این تلاش همه جانبه‌ی، که مستکبرانه و از سر خشم و عناد ترتیب می‌یابد، نهضت اسلامی در کشورهای اسلامی ضعیف یا ریشه‌کن شود. ولی درست بعکس، همه شاهدند



که این نهضت به مرور وسیعتر و عمیقتر شده است. اکنون کشورهای اسلامی متعددی را، می‌توان نشان کرد که اگر انتخاباتی نظیر آنچه دو سال قبل در الجزائر اتفاق افتاد، در آن برگزار شود احزاب یا فعالان اسلامی، اکثریت آراء مردم در آن کشورها را به خود جلب خواهند کرد، و این در حالی است که در بیشتر این کشورها فعالیت گروههای اسلامی و حتی تظاهرات سیاسی و تبلیغاتی اسلامگراها، ممنوع است. در همین سالها است که در داخل سرزمینهای غصب شده‌ی فلسطین مبارزات مردم، با شعارهای اسلامی و با مرکزیت مساجد، عرصه را بر صهیونیستها تنگ کرده است، و در همین سالها است که گروههای مبارز اسلامی در لبنان، حتی در انتخابات پارلمانی و نیز در موقعیتهای مردمی به توفیق چشم‌گیری دست یافته‌اند. و در همین دوره‌ی زمانی است که جمهوری اسلامی ایران، که کسانی ساده‌لوحانه انتظار داشتند یا به بن‌بست برسد و یا از اصول و آرمانهای خود چشم‌پوشد، با سرعتی بیش از توقع و در عین پافشاری بر اصول انقلابی خود به پیش رفته است. این جانب به برادران و خواهران مسلمان در همه جای جهان اسلام، عرض می‌کنم که ترفند بزرگ دشمن، نومید کردن و به آینده بدبین کردن شما است. و همین کافی است که هیچ مسلمان روشن‌بینی نومیدی را به دل راه ندهد. هیچ چیز به ما اجازه‌ی نومید شدن نمی‌دهد، اگر دشمن قادر بر نابودی این حرکت الهی بود، باید لاقلاً می‌توانست از رشد آن جلوگیری کند، و همه می‌بینید که نتوانسته است. سنتهای الهی و واقعیت‌های خارجی خبر از آینده‌ی روشن نهضت نوین اسلامی می‌دهند و قرآن بارها می‌فرماید: و العاقبة للمتقين.

5 تبلیغات مدرن و دارای پوشش جهانی، بی‌شک کارآمدترین حربه‌ی استکبار است. امروز تعداد رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعاتی‌یی که بیشترین تلاش خود را وقف دشمنی با اسلام کرده‌اند، بسیار زیاد و همچنان رو به افزایش است. کارشناسانی مزدور، فقط سرگرم ساختن و پرداختن مطلب و خبر و تحلیل، برای گمراه کردن ذهن مستمعان خود و معرفی نادرست و ترسیم زشت از نهضت اسلامی و شخصیت‌های بزرگ اسلامی‌اند، و جمهوری اسلامی در سالهای پس از پیروزی انقلاب تا امروز بی‌وقفه و روزافزون با چنین تبلیغات خصمانه‌یی مواجه بوده است. باید گفت که این ترفند نیز در مقابل حرکت اسلامی اصیل و نشأت گرفته از فطرت و نیاز، توفیق زیادی نداشته و مقصود دشمن را برنیاورده است. گسترش موج دعوت انقلابی امام راحل عظیم‌الشأن در سراسر دنیای اسلام و حضور فکر و نام و رهنمود و عکس و نشان آن بزرگوار در شرق و غرب عالم، با وجود آنهمه تبلیغ دروغ و سخن ناحق که به نیت مخدوش کردن سیمای ملکوتی آن وارث پیامبران، گفته و پخش شده‌است، روشنترین دلیل این مدعا است. با این همه باید اذعان کرد که عامل مهم در حفظ سلامت و سداد فکر ملت‌های مسلمان، روشنگری‌های علماء و روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان و جوانان فعال و آگاه است. و همه بخصوص علماء متعهد دین در این مورد وظیفه‌یی بزرگ بر عهده دارند. دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌یی از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمتها امروزه به همه‌ی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده می‌شود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق بشر، تهمت ضدیت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنایی به حقوق زنان، تهمت ضدیت با صلح و طرفداری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی وارد کنندگانش آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می‌شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا 14 ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام



گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروههای تروریست ضد انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند و حقوق بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بیگناه را به قتل رسانده‌اند. ضدیت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که جنگی هشت ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همهی آن مدت، انواع کمکها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی، رژیم محبوب آنان به شمار می‌رفت مبذول داشته‌اند. تضييع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیتهای کشور شرکت می‌ورزد، نمی‌پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیم‌هایی متوجه ایران می‌سازند که خود قلم‌های بزرگ و حیرت انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند. آیا در دنیای جدید، هرگز حقوق بشر، آنچنان که امروز در بوسنی پایمال می‌شود، نقض شده است؟ آیا نقض حقوق يك ملت مانند ملت فلسطین نقض حقوق بشر نیست؟ آیا راندن دستجمعی بیش از چهار صد نفر از شهروندان فلسطینی، به بیرون از خانه و میهن خود، در برابر چشم دنیای باصطلاح طرفدار حقوق بشر، قابل اغماض است؟ آیا سرنگون کردن هواپیمای مسافری ایران به وسیله‌ی امریکا بر فراز خلیج فارس، یا بی‌عدالتی نسبت به سیاهان در امریکا، یا حمایت از کودتاگران در الجزایر، یا حمایت از رژیم فاسد مصر، یا زنده سوزاندن دستجمعی عده‌یی در امریکا و امثال آن، شکستن حریم انسانیت و نقض حقوق آن نیست؟ آیا دولتهایی که این گونه بی‌محابا حقوق بشر را پایمال می‌کنند یا پایمال کنندگان را با نگاهی خونسرد و بی‌تفاوت بلکه رضایت‌مندانه و تشویق‌آمیز تماشا می‌کنند، حقیقتاً از این که بنا به ادّعی آنان در ایران اسلامی، حقوق بشر نقض شود ناراحتند؟! حقیقت آن است که خود تهمت‌زنندگان و از جمله سردمداران کنونی امریکا که اخیراً بر سر این حربیه تبلیغاتی زنگ زده و قدیمی، جنجال تازه‌یی به راه انداخته‌اند، به خوبی می‌دانند که سخن به گزاف می‌رانند، آنچه آنان از جمهوری اسلامی نمی‌پسندند اینها نیست، چیزهای دیگری است که مصلحت سیاسی به آنان اجازه نمی‌دهد آن را صریحاً اعلام کنند، اگر چه بررسی اظهارات نظریه‌پردازان و نویسندگانشان مقصود آنان را آشکار می‌سازد. در نظام جمهوری اسلامی چیزهایی که امریکا و هر مستکبر دیگری را خشمگین می‌سازد اینها است: اول جدا نبودن دین از سیاست و پایه‌ی اسلامی جمهوری اسلامی. دوم استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم ناپذیری‌اش در برابر زورگوییهای معمول ابرقدرتها. سوم اعلام راه حلّ مشخص جمهوری اسلامی درباره‌ی مسأله‌ی فلسطین، که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و یهودیان در فلسطین. چهارم حمایت معنوی و سیاسی از همه‌ی نهضت‌های اسلامی و تقبیح فشار بر مسلمانان در هر جای عالم. پنجم دفاع از حیثیت اسلام و قرآن و پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دیگر انبیای الهی و مقابله با توطئه‌ی رواج دادن اهانت به این مقدسات، نظیر آنچه در باب نویسندگی مهدورالدم آیات شیطانی دیده شد. ششم، تلاش برای اتحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی دولتها و کشورهای اسلامی و حرکت در جهت تثبیت اقتدار ملتهای مسلمان در قالب «امت بزرگ اسلامی». هفتم، ردّ و نفی فرهنگ تحمیلی غرب، که دولتهای غربی با تنگ‌نظری و تعصب، برآنند که همه‌ی ملتهای عالم را به پذیرش آن وادار سازند، و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان. هشتم، مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی، که بعضی از دولتهای غربی بخصوص امریکا و انگلیس اخیراً انحرافی‌ترین شکل آن را بی‌شرمانه رسمیت داده یا در راه آنند، و از دهها سال پیش برای ورود اشکال گوناگون این فساد به کشورهای اسلامی برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند. اینها است آنچه موجب دشمنی کینه‌آلود امریکا و همپالکی‌هایش، با جمهوری اسلامی است. بدیهی است که اگر آنان، صریحاً علت دشمنی خود را بیان کرده، این فهرست را برملا کنند، به دست خود بر اعتبار جمهوری اسلامی



در چشم ملت‌های مسلمانی که همه دلبسته‌ی این اصول‌اند، خواهند افزود. بدین جهت است که آنان در تبلیغات خود، از سویی ایران اسلامی را به تروریسم و امثال آن متهم می‌کنند و از سوی دیگر با تحلیلهای دروغین و خبرهای ساختگی چنین وانمود می‌سازند که گویا جمهوری اسلامی از اصول خود دست برداشته و به خواست دشمن تسلیم شده است! این هر دو سخن، دروغ و ناشی از طبیعت خدعه‌گر استکبار است. اصول جمهوری اسلامی که همان راه امام و مبانی مسلم اسلام است، به رغم دشمن، در ایران اسلامی، معتبر و مبنای زندگی سیاسی و اجتماعی ما است و دولت و ملت ایران، زندگی در سایه‌ی اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را که با فداکاری و بذل عزیزترین جانها به دست آمده، در هیچ شرائطی از دست نخواهند داد و اصول امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) و در رأس آن اصل عدم انفکاک دین از سیاست و مقاومت در برابر فشار مادیگری مدرن، برای منروی کردن اسلام و قرآن، اصول همیشه زنده‌ی جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

6 در پایان، به حجاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حج، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را با هم مبادله کنند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هر چه نزدیکتر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلغان و پیام‌رسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانه‌ی خدا و حرم پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مواقف با ارزش حج و سرزمین پرخطرهای حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و عترت طیبه‌ی آن بزرگوار (علیهم‌السلام) و بخصوص توجّه و توسّل به حضرت ولی‌الله‌الاعظم که بی‌شک فیض حضور مقدّسش در مراسم حج شامل دل‌های با معرفت است، و انس با قرآن و تدبّر در آیات بیّنات آن و دعا و تضرّع و توسّل که مایه‌ی تقرب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوّت و عزّت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علو درجات روح مطهر امام راحل و ارواح طیبه‌ی شهدای اسلام را از خداوند مسألت نمایند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

24 ذی‌القعدة 1413 برابر با 28 اردیبهشت 1372

علی‌الحسینی‌الخامنه‌یی